

نظام تیول‌داری بابل در سال‌های نخست حکومت هخامنشیان

محمد دندامایف

ترجمهٔ مریم رضایی*

چکیده: در این مقاله صحبت از نوعی روش زمین‌داری در دورهٔ هخامنشیان است که طی آن سربازان شاه با استقرار روی زمین‌های زراعی هم مخارج دولت را پرداخت می‌کردند و هم خدمت سربازی‌شان را به عنوان سواره نظام، گمان‌دار و گردونه‌ران انجام می‌دادند. با بررسی اسناد و مدارک مربوط به دورهٔ کتیوچیبه به اصطلاحاتی برمی‌خوریم که وجود این نوع زمین‌داری را قبل از زمان سلطنت داریوش بزرگ، تأیید می‌کند.

کلیدواژه: زمین، زمین‌داری، سند، خدمت سربازی، گردونه‌رانان، نیزه‌داران، پیاده نظام.

بعد از فتح بابل توسط قوای پارسی، تغییرات بزرگی در نظام کشاورزی پدید آمد. حاصل‌خیزترین قسمت زمین‌ها به تملک شاه درآمد.^۱ هخامنشیان زمین‌های تصرف‌شدهٔ مردم مغلوب را به صورت املاک با مالکیت نامحدود و موروثی بین اعضای خاندان سلطنتی، دوستان، نمایندگان نجای پارسی، مقامات عالی‌رتبهٔ دولت و تمام کسانی که

* گروه زبان‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

I. W. Eilers (1934): *OLZ* 37, 95;

این گمان را نفی می‌کند که بعد از فتح بابل توسط قوای پارسی تقسیم‌بندی جدیدی در نظام زمینداری به وجود آمده و در پی آن تمام زمین‌ها و یا بزرگترین قسمت زمین به تصرف دولت یا شاه درآمده باشد.

خدمات ارزنده‌ای به شاهنشاهی پارس کرده بودند، تقسیم کردند. مالکان این زمین‌ها از پرداخت مالیات معاف بودند. از طرف دیگر در دوره هخامنشیان روشی برای بهره‌برداری از زمین متداول شد که به موجب آن پادشاه سربازانش را روی زمین مستقر می‌کرد، آنها روی قسمت معینی از زمین کار می‌کردند و بدین ترتیب هم خدمت سربازی‌شان را انجام می‌دادند و هم مخارج دولت را پرداخت می‌کردند.

به دنبال این روش جدید به کار گرفته شده تقسیم زمین توسط هخامنشیان، زمین‌های تیولی مختلفی به وجود آمد که در اسناد بابل به وفور ذکر شده است:

bit(is)qašti زمین کمان‌داران

bit-sist زمین سواره‌نظام

bit(is)narkabti زمین گردونه‌رانان

این زمین‌ها به کشاورزان سپاهی داده می‌شد تا آنان خدمت سربازی‌شان را به عنوان کمان‌دار، سواره نظام و گردونه‌ران انجام دهند.

تحقیق در ماهیت این نوع زمین‌داری شامل مقالات و تحقیقات سودمند و آیلرز (W. Eilers)، ای. ابلینگ (E. Ebling)، گ. گارداسیا (G. Cardascia) و دیگر محققان آشورشناس ارائه شده^۱ که در آنها مدارک و اسناد بایگانی شده مربوط به نیمه دوم قرن ۵ ق.م در نیپور (Nippur) و تجارتخانه‌های موراشو (Muraschu) را بررسی کرده‌اند. در این مقاله می‌کوشیم زمان شروع این نوع زمین‌داری را تعیین نماییم.

به طور معمول تصور بر آن است که تا پیش از زمان داریوش بزرگ، ذکری از این نوع زمین‌داری به میان نیامده است.^۲ در این صورت، ایجاد این روش زمین‌داری را می‌توان حاصل اصلاحات مشهور اداری - دولتی داریوش اول دانست. باور این نظر با شواهد

۱. رجوع کنید به: E. Ebling: ZA 16, 203ff; G. Cardascia: 55f

2. E. Kotalla: 561; G. Cardascia: 8, note 7; G. Cardascia (1958): 63; R. N. FRYE: P. 113.

موجود از اسناد و مدارک در تضاد است. برای مثال اصطلاح *bit(is)qašti* به عنوان زمین تیولی در سندی بابلی مربوط به سال‌های نخست حکومت کمبوجیه (۵۲۹ ق.م) به دست آمده است.^۱ طبق این سند مجمع بزرگان مصری^۲ اکثر افراد مقیم در زمین‌ها که اسامی مصری^۳ داشتند، را ظرف مدت معینی موظف کرد بر روی کشتزار غلات - زمین کمان‌دارانی^۴ که در نزدیکی بابل قرار داشت، کار کنند و محصول را بین خودشان تقسیم کنند. به احتمال قوی این مجمع مسئول برداشت محصول از چنین زمین‌هایی بود.

همچنین در سند دیگری که در هفتمین سال سلطنت کمبوجیه (۵۲۳ ق.م) در سیپار (Sippar) نوشته شده، اصطلاح *bitas-pa-tum*^۵ به کار رفته است و همانطور که گارداسیا بدان اشاره کرده است^۶، این اصطلاح معادل ایرانی واژه بابلی *bit sīsi* است. در این سند به زمینی اشاره شده که متعلق به شاه بوده، ولی یک «ایلی اقبی» (*Ili-aqabi*) از آن استفاده می‌کرده است.^۷ قسمتی از زمین به عنوان کشتزار مورد استفاده قرار می‌گرفت و

1. J. N. Strassmaier (1890): 85, I.

J. Kohler und F. E. Peiser: 30.

نگاه کنید به ترجمه:

در اینجا اصطلاح *bit (is)qašti* به جای «زمین کمان‌داران» به «قلمرو» ترجمه شده است.

2. Pühr (amēl) šī-bu(!)-tu šā (amēl)mi-tir-a-a.

۳. *Hapidišballa* پسر *Pitamiš*، نیز جزء این افراد بوده که نام او حاکی از نژاد مصری اوست.

۴. *(šē)zēru bit (is)qašti* به معنی «کشتزار غلات - زمین کمان‌داران». مقایسه کنید با خط ۷ و ۹: *(is)qaštu* به معنای «زمین کمان‌داران».

5. A. Ungnad: Nr. 53;

M. San Nicol-A. UNGNAD: Nr. 380.

نگاه کنید به ترجمه:

6. G. Cardascia (1951): 8, note 7; Ibid (1958), P. 630.

7. *Eqū makkur šarri ... ? As-pa-tum bit ritti šā(m)ili-a-qa-bi*

کشتزاری که شاه مالک آن بوده... زمین سوواره نظام که مورد استفاده *Ili-aqabi* است. اصطلاح *bit ritti* اغلب در اسناد و مدارک زمان هخامنشیان به عنوان رابطی میان کشتزارها و باغ‌های متعلق به پادشاه و با معابد است که شخص دیگری از آن استفاده می‌کند. نگاه کنید به: *NRV I*, Nr. 379, 387; A. Tremayne: Nr. 38 u. 195;

← J. N Strassmaier (1892): Nr. 306, 427; C. E. Keiser: Nr. 103, 111.

قسمت دیگر به عنوان زمینی باتلاقی باقی می ماند. «ایلی اکبی» این قطعه زمین را به مدت شش سال اجاره می داد. مستأجر می بایست زمین باتلاقی را به زمین مزروعی تبدیل کند و به صاحب زمین «بل اقلی» (bēl-eqli) یک پنجم محصول زمین شخم خورده و یک سوم محصول زمین آماده شده را بپردازد.

و. فون. زودن (W. von Soden) معتقد است که کلمه *aspatum* به جای *as-ps-tum* آمده که به معنای «یونجه»^۱ است. اما هیچ مدرکی در این سند وجود کشتزار یونجه را تأیید نمی کند. تا جایی که می دانیم طبق هزاران سند مربوط به دوره های باستانی بابل، کوچکترین مدرکی که اجازه یونجه زار را تأیید کند، وجود ندارد. به علاوه بخشی از این زمین هیچگاه زراعت نشده بود و اگر فقط در قسمتی از زمین یونجه کاشته شده باشد، جای شک است که تمام زمین یونجه زار نامیده شده باشد! قابل قبول نیست که چندین سال روی زمین باتلاقی کار شود تا آن را برای کاشت یونجه آماده کنند! و غیر

→ طبق شواهد اصطلاح *bit ritti* در اسناد مربوط به دوره پیش از هخامنشیان فقط یکبار به میان آمده است. نگاه کنید به: A. B. Moldenke: Nr. 64, 2; H. Petschow: 144.

بجز *NRV I, 380* و اسناد مربوط به دوره سلوکیان، فرض می کنیم که *ait ritti* در اختیار زمین داری بود که مالکیت نام ملک تحت تسلط خویش را داشت (بفروشد، منتقل کند و...) و مالک جدید می بایست پرداخت عوارض شاه و معابد را ادامه دهد. اما در *NRV, I 380* صحبت از قطعه زمین جنگاورانی است که مالک آن، حق اجاره و یا فرو گذاشتن آن را داشته ولی چون زمین متعلق به شاه بوده حق فروش آن را نداشته است. مقایسه کنید با:

O. Krüchmann: Nr. 145.

در اینجا «زمین کمان داران» ظاهراً *bit ritti* نامیده شده (در این سند مدت سی سال از سلطنت اردشیر اول گذشته بود). در سند دیگری مربوط به زمان سلطنت اردشیر اول قطعه زمین *bit (is)qašti* «تحفه شاهی» نامیده شده است. نگاه کنید به:

The Babylonian Expedition of the University of Pennsylvania, IX, Philadelphia 1899, Nr. 99.1

1. W. von. Soden: 75.

در مورد نام ایرانی - یونجه *aspastu* که بابلی ها وام گرفته اند، نگاه کنید:

B. Meissner, *Babylonien und Assyrien*, Heidelberg, 210.

در اسناد بایگانی موراشو بارها کلمه *aspastua* ذکر شده است که از همان ریشه قبلاً معنای «علوفه اسب» را داریم.

W. v. Soden, *Akkadisches Handwörterbuch* 75

قابل قبول‌تر آن است که مالک زمین خود را شش سال اجاره دهد و در ازاء یونجه دریافت کند!

جز آن شرایط اجاره همان شرایطی است که تحت آن مزارع و کشتزارها را برای کاشت غلات اجاره می‌دادند و واژه *aspatum* تلفیقی است از *aspa-* ایرانی به معنای «اسب» و شناسه جمع اکدی *-ātum*. در سند مذکور نیز به وضوح صحبت از قطعه زمینی است که «ایلی اکبی» برای انجام خدمت نظام به دست آورده بود.

اوایل حکومت هخامنشیان در بابل برای نامیدن قطعه زمینی که صاحب آن برای انجام خدمت سربازی‌اش به عنوان سواره نظام به دست می‌آورد، واژه ایرانی‌ای به کار می‌رفت که در برگیرنده تمام نظام زمینداری‌یی بود که توسط نظام اداری پارسی اعمال می‌شد.^۲ بعدها ترجمه اکدی آن جایگزین اصطلاح سامی بیگانه شد.

۱. مقایسه کنید با *asabāra* ایرانی باستان و صورت کامل ایرانی (*aspaḅāra*) به معنای «سوارکار» و اسم خاص (*aspabar*)

W. Eilers (1940): 942, 106, 128.

۲. مالیات بر اراضی در دوره‌های باستانی بابل نیز وجود داشتند، اما در زمان هخامنشیان قانون جدیدی وضع شد و اصطلاح به کار رفته برای این نوع زمین‌ها، با وجود این که اکدی است، از پارس‌ها اقتباس شده بود: G. Cardascia (1951): 8.

در نامه‌ای مربوط به آشور باستان به اصطلاح *eqel (is)qaṣti* «زمین کمان‌داران» بر می‌خوریم:

L. Waterman: part I; Ann Arbor 1930, Nr. 201, 5-6; C. H. W. Jones: vol. II, 172.

سی. اچ. دبلیو. جونز معتقد است که اصطلاح «زمین کمان‌داران» در زمان آشوریان نیز وجود داشته است و توسط پارسیان وام گرفته شده بود. اما این تصور قانع‌کننده نیست. اولاً در اینجا به یک اختلاف اصطلاحی بر می‌خوریم، ثانیاً در نامه آشوری مذکور صحبت از زمینی است که مالک آن از پرداخت مالیات معاف بوده است. در حالی که در بابل در زمان هخامنشیان مالکان زمین‌های نظامی هیچگاه از پرداخت مالیات نقدی و غیرنقدی معاف نبوده‌اند. شاید ما در اینجا فقط با یک اصطلاح فنی مشابه سروکار داریم که آن را نمی‌توان به عنوان شاهدی دانست که پارس‌ها از آشوریان این نظام زمین‌داری را وام گرفته باشند. به نظر می‌رسد تا کنون به این موضوع توجه نشده که اصطلاح *bit ziaḥ* در سندی مربوط به دوره نبونید به کار رفته است:

J. N. Strassmaier: Nr. 1034, 8;

این اصطلاح در این سند ظاهراً به معنای «اصطبل» است. این اصطلاح به همین معنا در Dar., Nr. 293, 3 und 542, 12 نیز آمده است. مقایسه کنید با *bit alpi* «طوبله» و *bit immeri* «آغل» که مکرراً در اسناد دوره‌های ←

لازم به ذکر است که در اسناد متعلق به سال‌های به تخت نشستن داریوش اول اصطلاح bit(is)narkabti (زمین گردونه‌رانان) به میان آمده است.^۱ می‌دانیم که در سال ۵۲۲ ق.م، یعنی سال به تخت نشستن داریوش اول، در بسیاری از سرزمین‌های تحت سلطه هخامنشیان، علیه حکومت هخامنشیان شورش در گرفته بود. در سال‌های ۵۲۱ و ۵۲۲ ق.م بابل دو بار قیام کرد، یک بار در زمان نبوکد نصر سوم (Nidintu-bēl) و یک بار در زمان نبوکد نصر چهارم (Araka). به این ترتیب جای شک باقی است که داریوش در ماه‌های نخست سلطنتش قوانین جدیدی در نظام تیول‌داری وضع کرده باشد.

طبق شواهد بالا روشن است که زمین‌های نیزه‌داران و دیگر زمین‌ها در آغاز سلطنت کمبوجیه وجود داشته‌اند. در واقع آنها کمی بعد از فتح بابل تحت تسلط کوروش بودند. از آنجا که کلمه aspa- یک کلمه مادی و نه فارسی باستان است، این امکان هم وجود دارد که نظام زمین‌داری مذکور، ابتدا در ماد وجود داشته و بعد توسط هخامنشیان وام گرفته شده باشد. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا در اسناد مربوط به دوره کوروش ذکری از این نوع زمین‌داری به میان نیامده و در اسناد مورخ دوران حکومت کمبوجیه، فقط دو بار در مورد آنها صحبت شده است.

پاسخ این سؤال بسیار ساده است:

اسناد مذکور، اسناد تجاری - اقتصادی هستند و ذکر این نوع زمین‌داری در آنها وقتی است که موضوع اجاره، گروگذاری و یا تقسیم زمین در میان باشد. اوایل حکومت پارس‌ها، موقعیت اقتصادی مالکان این نوع زمین‌ها ثابت بود و با گسترش نفوذ فاتحان، هخامنشیان بیشتر متوجه سربازانشان شدند.

در مواردی که مالکان این نوع زمین‌ها خود رهسپار میدان نبرد می‌شدند، اعضای خانواده به امر آبادانی آن زمین‌ها می‌پرداختند. به این دلیل در اسناد مربوط به دوره داریوش اول به ندرت از این سرزمین‌ها ذکری به میان آمده است.^۲ اما در قرن ۵ ق.م

→ باستانی بابل ذکر شده‌اند.

1. *Dar.*, Nr. 9, 2.

۲. اصطلاح bit (is)qašti و یا ساده‌تر (is)qašti به معنی «قلمرو» در اسناد زمان داریوش اول آمده‌اند. نگاه ←

اوضاع اقتصادی افراد مقیم روی زمین‌ها وخیم‌تر شد. چون در این زمان خدمت سربازی را با مقدار معینی پول و یا جنس (غیر نقدی) می‌خریدند^۱ که این کار اثر منفی روی منس اشرفی سپاهیان داشت، چرا که مجبور می‌شدند برای پس دادن بدهی خود پیش ریاخوار بروند. در چنین شرایطی این افراد (مقیم روی زمین‌ها) در موقعیتی نبودند که بتوانند با طلبکاران تصفیه حساب کنند و در نتیجه زمین‌های خود را اجاره می‌دادند. طلبکار نمی‌توانست زمین بدهکار را مصادره کند، ولی به عنوان سهمی از طلب خود فقط می‌توانست محصول را برداشت کند، نه زمینی^۲ را که از مردان خانواده به ارث رسیده است.^۳

Dar. 307; *NRV* I, 560; Kr. 169

→ کنید به:

مقایسه کنید با: *NRV* I, 873 u. 891 (تاریخ‌ها نامعلوم است).

Bit(is)markabti در اسناد دوره داریوش اول در منابع زیر ذکر شده‌اند:

Dar. 343; *NRV* I, 211; R. C. Thompson: Nr. 74.

اصطلاح *bit (is)qašti* و با *bit (amēl)qašti* قبلاً در اسناد آور در زمان اردشیر دوم، در کنار بحث اجاره زمین‌های کمان‌داران - کشتزارها و نخل‌های خرما برای سال‌های متمادی ذکر شده بود. نگاه کنید به:

H. H. Figulla: IV, Nr. 42, 59, 60, 101, 106.

G. Cardascia (1958): 62.

برای کسب اطلاعات از اسناد بایگانی مویشو نگاه کنید به:

چون این زمین‌ها برای پرداخت مالیات و انجام تعهدات اجاره داده می‌شدند، طبیعتاً مالک مسئولیت همه چیز را برعهده داشت نه مستأجر.

۱. مالیات زمین در بابل باستان ابلکو نام داشت که شامل خدمت نظام نیز می‌شد. نگاه کنید به:

W. Eilers (1934): P. 97; G. Cardascia (1951): PP. 98-102;

Dar. 323, 42 *kašpu šá a-na il-ki šá šarri*

مقایسه کنید با:

«هزینه نقدی مخارج شاه» (برای پرداخت این مالیات خانه‌ای فروخته می‌شد) *UET* IV, 60, 9-10 *il-ki šarri* «مخارج شاه» (زمان اردشیر دوم)

مقایسه کنید با مورد 8, 1, *UET* IV, 1, 7 و 2 و همچنین اسنادی که H. Petschow در *Neubabylonisches*

(67 *Pfundrecht*) بررسی قرار داده و در آنجا سخن از پرداخت عوارض کشتزار غلات به شاه است. پرداخت

عوارض از سوی ساکنان زمین‌های نیولی احتمالاً از زمان داریوش اول شروع شده است. نگاه کنید به:

Dar. 430, 1-3.

2. W. Eilers (1934): 94.

3. G. Cardascia (1958): 72 →

اما بسیاری از این ساکنان سخت مقروض بودند و گاهی طلبکاران با سند فرزندخواندگی صاحب زمین هایشان می شدند. در نیپور و اطراف آن افراد مقیم روی زمین ها برای پرداخت مالیات دولت از تجارتخانه های مورا شو کمک می گرفتند. به تدریج رواج این نوع زمین داری، به جهت تقسیم آنها مابین ورثه از میان برداشته شد. به این دلیل بود که دو نفر یا بیشتر مشترکاً صاحب یک قطعه زمین^۱ می شدند و یا آن را به قطعات بیشتری^۲ تقسیم می کردند. طبیعتاً این وضعیت به فقر سپاهیان مقیم روی زمین ها انجامید.

در قرن ۵ ق.م هخامنشیان مجبور شدند در سیاست نظامی خود به سربازانشان تکیه کنند، نه به مالکان این نوع زمین ها که حتی تجهیزات کافی در اختیار نداشتند.

کتابشناسی

- A. B. Moldenke (1893): *Cuniform Texts in the Metropolitan Museum of Art*, New York.
- A. Tremayne (1925): *Records from Erech, Time of Cyrus and Cambyses*, New Haven.
- A. Ungnad (1908): *Vorderasiatische Schriftdenkmäler königlichen Museen zu Berlin V*, Leipzig.

→ در صورتی که مالکین پسرانی نداشتند که به تعهدات عمل کنند زمین های آنها به تصرف دولت در می آمد، نگاه کنید به: *NRV I*, 15-16.

1. W. Eilers (1934): P. 95.

2. G. Cardascia (1951): P. 116; *Ibid* (1958): P. 71

خوشبختانه سندی مربوط به دوره اردشیر اول از نیپور یافت شده که طی آن چهار نفر از افراد صاحب نام که در میان آنها دو برادر بودند، با توافق کشتزار غلات - زمین کمان داران را بین خود تقسیم کرده بودند و هر کدام موظف بودند از سهم خود به شاه بپردازند.

ina muh-hi ziti-šu šarru i-pal-lah

E. W. Moore: Nr. 203, 29.

- B. Meissner (1920): *Babylonien und Assyrien*, Heidelberg.
- C. E. Keiser (1917): *Letters and contracts from Erech written in the Neo-Babylonian period*, New Haven.
- C. H. W. Jones (1901): *Assyrian Deeds and Documents*, vol. II, Cambridge.
- E. Ebling (1952): *Die Rüstung eines babylonischen Panzerreiters...*, ZA 16.
- E. Kotalla (1902): *Fünfzig borylonische Rechts- und Verwaltungsurkunden aus der Zeit des Königs Artaxerxes I, Beiträge zur Assyriologie IV*.
- E. W. Moore (1935): *Neo-Babylonian bussines and administrative documents*, Michigan.
- G. Cardascia (1958): *Le fiet adns la Babylonie Achemenide, Recueils de société Jean Bodin, les liens de vassalité*, Bruxelles.
- _____ (1951): *Les Archives des Murašū*, Paris.
- H. H. Figulla (1949): *Business Documents of the New-Babylonian Period, Ur. Excavations. Texts* IV. London.
- H. Petschow (1956): *Newbabylonisches Pfandrecht*, Berlin.
- J. Kohler und F. E. Peiser (1890): *Aus dem babylonischen Rechtsleben II*, Leipzig.
- J. N. Strassmaier (1892): *Inschiften von Darius, König von Babylon*, Leipzig.
- _____ (1890): *Inschriften von Combyses, König von Babylon*, Leipzig.
- _____ (1889): *Inschriften von Nabonidus, König von Babylon*, Leipzig.
- M. San Nicol-A. UNGNAD (1930): *Neubabylonische Rechts- und Verwaltungsurkunden I*, Leipzig.
- O. Krückmann (1933): *Neubabylonische Rechts- und Verwaltungstexte*, Leipzig.
- R. C. Thompson (1906): *Cuniform Texts from Babylonian Tables in the British*

Museum XXII, London.

- R. N. FRYE (1962): *The Heritage of Persia*, London.
- *The Babylonian Expedition of the University of Pennsylvania, IX*, Philadelphia, 1899.
- W. Eilers (1940): *Iranische Beamtennamen in der Keilschriften überlieferung*, Leipzig.
- _____ (1934): *OLZ*.
- W. von. Soden (1959): *Akkadisches Handwörterbuch*, Wiesbaden.
- L. Waterman (1930): *Royal correspondence of the Assyrian Empire*, part I; Ann Arbor.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی